



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۵ - ۲۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
سال بیست‌وهشتم - شماره ۷۶۸۹ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

طائب: مذاکره ذاتاً نه خوب است و نه بد

مذاکره برای گرفتن حق است نه واگذاری آن

صفحه ۲

یادداشت سیاسی

سیدعبدالله متولیان

از ژاله‌های خون تا امروز تکرار شکست در میدان محاسبه

۴۸ سال از آن جمعه سیاه می‌گذرد، اما مسئله اصلی ۱۷ شهریور فقط یادآوری یک کشتار نیست ، بازخوانی محاسبه‌ای است که آن روز شکست خورد و امروز نیز در برابر ملت ایران تکرار شده است | صفحه ۲

یادداشت بین‌الملل

هادی محمدی

جنگ اقتصادی امریکا بازدارندگی اقتصادی می‌خواهد

صفحه ۱۵

بقایای: گروسی به ساز امریکا می‌رقصد

نشست فصلی شورای حکام یک بار دیگر محلی برای خبر سازی علیه ایران شد. رافائل گروسی در جریان نشست خبری در حالی یک بار دیگر پیکان اتهامات را متوجه ایران کرد که اسماعیل بقایای ساعاتی قبل به لفاظی‌های این دیپلمات آرژانتینی پاسخ داده بود. بقایای درخصوص احتمال ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت گفت: من گاهی وقت‌ها تصور می‌کنم نحوه رفتار آژانس و شخص مدیر کل، یادآور داستان حکیم عضالدین ایچی و خان مغول است؛ هر جا که در حوزه‌های دیگر کم می‌آورند، سراغ آژانس و شخص مدیر کل می‌روند | صفحه ۱۵

دود آramکو دوباره به هوارفت

دود در فاصله یک ماه بار دیگر از تأسیسات نفتی آramکو در جیزان بلند شد. این بار، حمله به آramکو در شرایطی اتفاق افتاده که جبهه جنگ زمینی یمن نیز به سمت سواحل غربی و باب‌المندب کشیده شده است. حمله تازه به تأسیسات سعودی تنها یک ماه پس از ضربه قبلی به پالایشگاه جیزان رخ داده و نگرانی‌ها درباره فشار بر انرژی و کشتیرانی را همزمان با وضعیت تنگه هرمز تشدید کرده است | صفحه ۱۵

قبض ۱۰۰ میلیارد دلاری ۷ ماه جنگ ایران روی در خانه امریکایی‌ها

جنگ ایران از زمان آغاز در ۲۸ فوریه ۲۰۲۴ تاکنون کمی بیشتر از ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه اضافی، فقط به دلیل انرژی به مصرف کنندگان امریکایی تحمیل کرده است و هر دو دقیقه یک میلیون دلار دیگر بر مبلغ این قبض افزوده می‌شود. این برآورد حاصل ردیاب هزینه انرژی جنگ ایران (Iran War Energy Cost Tracker) از مؤسسه واتسون دانشگاه براون است که به صورت لحظه‌ای هزینه‌های اضافی سوخت و محاسبه می‌کند | صفحه ۱۵

درآمدهای نفتی ۱۴۰۵ زودتر از موعد تأمین شد

درآمدهای نفتی دولت زودتر از تقویم بودجه به خزانه رسید تا یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی دولت در چهارماهه ابتدایی سال برآورده شود و بخشی از نگرانی‌ها درباره تأمین منابع بودجه کاهش یابد. دولت برای چهار ماه نخست سال ۸۹ هزار میلیارد تومان درآمد نفتی در نظر گرفته بود اما وصول ۹۱ هزار میلیارد تومان در همین بازه، تحقق این منبع را به ۰.۲ درصد رساند و همزمان با افزایش دسترسی به منابع ارزی، درآمدهای نفتی نیز در اختیار بانک مرکزی قرار گرفت | صفحه ۱۲

منطقه ممنوعه تنگه هرمز را گسترش می‌دهیم

سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی: طی هفته‌های آینده، محدوده ممنوعه خارج از تنگه هرمز را اعلام می‌کنیم که از خط محاصره نیروی دریایی امریکا آغاز می‌شود و تا تنگه هرمز ادامه پیدا می‌کند و وارد خلیج فارس می‌شود. هر کشتی که با هدف عبور از تنگه هرمز وارد این محدوده شود و شناسایی شود، در فهرست تحریمی قرار می‌گیرد

| صفحه ۵ |

اصلاح

آیین حکمرانی؟

صفا هرندی تبیین می‌کند

غلامرضا صادقیان | سردبیر

من از سخنان هرندی یک «بازسازی درون‌ساختاری» را بیشتر از قبل جدی می‌گیرم. این بازسازی اگر واقعاً اجرا شود، می‌تواند در پنج حوزه اتفاق بیفتد. در حوزه‌ی اجتماعی با کاهش اصطکاک حکومت و جامعه؛ در حوزه‌ی سیاسی با احزاب واقعی‌تر، رقابت درون‌ساختاری و معیارهای روشن‌تر برای ورود به قدرت؛ در حوزه‌ی حقوقی با تفسیر و اجرای متفاوت ظرفیت‌های قانون اساسی؛ در حوزه‌ی حکمرانی با دولت کارآمدتر، مسئله‌محورتر و کمتر متمرکز؛ و در حوزه‌ی فرهنگی با عبور نسبی از سیاست فرهنگی صرفاً کنترلی به سمت بازسازی فرهنگ عمومی

منطقه‌ی مجاز اصلاحات؟!

او اصلاح‌طلبان را سه دسته می‌کند: کسانی که اساسی جمهوری اسلامی را قبول ندارند؛ کسانی که معتقدند بخش‌های جدی قانون اساسی باید تغییر کند؛ و کسانی که معتقدند در چارچوب همین قانون اساسی، با «برآورد و برداشت جدید از قوانین» می‌توان اتفاق جدیدی رقم زد.

این تقسیم‌بندی از نظر سیاسی مهم است، زیرا هرندی ظاهراً در یک منطقه‌ی مجاز برای اصلاح راه به رسمیت می‌شناسد. درباره‌ی این سخنرانی با خود او گفت‌وگویی داشتم. به ویژه می‌خواستیم بدانم مقصود اواز بازنگری در مسئله حجاب یا شورای نگهبان دقیقاً چیست. او می‌گوید: «واضح است که شورای نگهبان نظارت استصوابی خود را باید اعمال کند، ولی در عمل ثابت شده است وقتی این قضیه تابع برخی قراردادهای و شاخص‌های تعیینی برای این شورا قرار می‌گیرد که ممکن است نیمی از اعضا یعنی شش نفر یک جور بفهمند و نیم دیگر جور دیگر و مامعمولاً نظر اکثریت یا نصف باضافه‌ی یک را ملاک می‌گیریم. پس قضیه فرق می‌کند و باید آن شاخص‌ها و قراردادهای را به گونه‌ای تنظیم و تعیین کنیم که کاملاً گویا باشد و اختلافات در فهم آنها تا این حد آشکار نشود». هرندی ولی بخش مهم‌تر اصلاح در کار شورای نگهبان را اصلاح قبل از شورا می‌داند. او می‌گوید: «در نظام‌هایی مثل فرانسه ممکن است یک سوسیالیست یا حتی کمونیست با یک باورمند به لیبرال دموکراسی بخواهند وارد انتخابات شوند و رقابت کنند. آنجا مبنای همه یکی است و همه همان نظام سکولار حاکم را پذیرفته‌اند و کسی نمی‌تواند برای شکستن ساختار این نظام درون همان نظام نامزد شود. ولی در ایران گاهی کسانی با قصد ساختار شکنی وارد عرصه انتخابات می‌شوند و از همان آغاز اشتباهی اپوزیسیون شدن دارند، خوب، چرا باید کسی بخواهد رئیس جمهور یک نظام شود و ساختار نظام سیاسی و قانون اساسی آن نظام را فروبریزد؟! باید چنین کسانی قبل از نظارت شورا یا نگهبان در همان وزارت کشور تعیین تکلیف شوند». یعنی به جای اینکه شورای نگهبان در هر انتخابات تشخیص دهد چه کسی در چارچوب نظام است، قانون از پیش مرزهای مجاز را تعریف کند. این بالقوه یک تحول است. پس مسئله‌ی هرندی این است که چگونه باید نظارت استصوابی را در یک «آیین حکمرانی» جدید سامان داد. و پیشنهادش این است که قانون روشن کند چه کسی «ساختار شکن» است. پروژه

احتمالی چنین خواهد بود «حفظ نظارت استصوابی با تعریف قانونی‌تر و صریح‌تر حدود آن». البته اگر «ساختار شکنی» در تعریف مجدد دقیق و محدود تعریف شود، منجر به گشایش خواهد شد، مگر اینکه تعریف ساختار شکن، مبهم و گسترده باشد که مشکل را باقی می‌گذارد. الگوی فعلی در انتخابات این است که احزاب (هنوز تحزب در دست‌وحسابی نداریم) و افراد وارد انتخابات می‌شوند، و سپس شورای نگهبان تشخیص می‌دهد چه کسی صلاحیت دارد. ولی الگوی پیشنهادی هرندی می‌تواند این باشد: قانون اصلاح شود، شاخص‌ها گویا و روشن شود تا محدوده‌ی مجاز مشخص باشد. احزاب سازمان یافته داشته باشیم، رقابت را درون محدوده‌ی احزاب ببریم و انتخابات را برگزار کنیم. هرندی در همین باره به من می‌گوید «ما هر بار زبان‌های نداشته‌ن ساختار حزبی را می‌چشیم، مانند همین اردو کشتی‌های خیابانی یا اینکه افراد نالایق و ناپخته به قدرت می‌رسند، چرا از فواید تحزب بهره‌مند نشویم که تربیت افراد متناسب برای هر ساختار اجرایی و دولتی است و عاملی برای جلوگیری از فساد گسترده در داخل خود احزاب؟!» مثال او روشن است: در کشورهای غربی فساد گسترده دولتی نداریم، چون خود حزب برای حفظ آبرو و موقعیت حزب اجازه‌ی چنین فساد ی را به اعضا نمی‌دهد. پس در این حوزه لازم نیستیم برای اصلاح، قانون اساسی را عوض کنیم. می‌توان با تفسیر، برداشت و اجرای متفاوت از ظرفیت‌های موجود قانون اساسی تغییر ایجاد کرد. چرا؟ چون اگر این دیدگاه به یک رویکرد حکومتی تبدیل شود، تغییرات آینده لزوماً از مسیر «بازنگری رسمی قانون اساسی» نمی‌گذرد. شورای نگهبان باقی می‌ماند ولی با شاخص‌های گویا که نظرات آنان را تا این حد متفاوت نکند و آنگاه تعیین برخی حدود تا قبل از شورا. این یعنی بدون تغییر متن قانون، کارکرد برخی نهادها می‌تواند تغییر کند. هرندی در همین محدوده صریحاً «ساختار شکن بودن یا نبودن» را به معیار حضور در قدرت تبدیل می‌کند: «کسی که در جایگاه رسمی حکومت به عنوان نماینده مجلس، رئیس جمهور و وزیر قرار گرفت، نمی‌شود دیدگاهش ضد دیدگاه آن جایگاه و نظام سیاسی حاضر در آن باشد». معنای این سخن آن است که منتقد بودن مجاز است، اما نماینده‌ی ساختار بودن و در عین حال مخالف مبانی ساختار بودن مجاز نیست. پس مدل مطلوب او ظاهراً این است که «تکثر سیاسی،

آری» ولی «تکثر در اصل نظام، نه».

در نتیجه، احتمالاً شاهد یک باز تعریف از «اصلاح طلبی مجاز» هستیم. این بخش برای آینده‌ی سیاسی ایران بسیار مهم است. هرندی در واقع نمی‌گوید که «اصلاح طلبان باید کنار گذاشته شوند»، بلکه می‌گوید «بخشی از اصلاح طلبان می‌توانند در پروژه‌ی اصلاح حکمرانی حضور داشته باشند، مشروط به اینکه ساختار کلی نظام را بپذیرند». مثال جالبی پور را دقیقاً برای همین می‌آورد. بنابر این، می‌توان تصور کرد که شاید بخشی از حاکمیت به دنبال ادغام دوباره‌ی بخشی از اصلاح طلبان در نظم سیاسی باشد؛ البته حکمرانی حضور داشته باشند، مشروط به اینکه ساختار کلی نظام را بپذیرند. مثال جالبی پور را دقیقاً برای همین می‌آورد. بنابر این، می‌توان تصور کرد که شاید بخشی از حاکمیت به دنبال ادغام دوباره‌ی بخشی از اصلاح طلبان در نظم سیاسی باشد؛ البته حکمرانی حضور داشته باشند، مشروط به اینکه ساختار کلی نظام را بپذیرند، اصلاح طلبانی که اصل جمهوری اسلامی را بپذیرند، قانون اساسی را مبناً قرار دهند، با ساختار سیاسی موجود کار کنند، و اصلاح را از داخل دنبال کنند (مثال روشن هرندی خود پزشکيان است که گفت در همین ساختار فعلی کار خواهد کرد). اگر چنین چیزی باشد، هدفش تبدیل اصلاح طلبی از یکسک پروژه‌ی تغییر ساختار (یا حتی براندازی در بخش تندرستی آنان) به یک نیروی اصلاح درون ساختاری است.

بعثت مردم به چه معنا؟

مسئله‌ی دیگر که در موضوعات روز قرار می‌گیرد ارزش دقت دارد آن است که «بعثت مردم» دیگر صرفاً بسیج مردم برای دفاع از نظام نیست. «اگر مسائل کشور باید مردم محور اداره شود... اداره‌ی محل بر عهده خود مردم باشد و مسائل آن را خود آنان حل کنند». اینجا «مردم» فقط طرفدار نظام در شرایط بحران نیستند، بلکه قرار است عامل حکمرانی باشند. اینکه «مردم‌محوری» چقدر مستقل از دولت خواهد بود نیز باید روشن شود. وقتی هرندی می‌گوید: «کانون و محور محله مسجد است»، در واقع مدلی از جامعه‌سازی را پیشنهاد می‌کند که نهادهای مذهبی و اجتماعی نزدیک به ساختار رسمی در آن نقش محوری دارند. می‌توان در خوانشی خوش‌بینانه گفت در این الگو، دولت از تصدی‌گری فاصله می‌گیرد و مردم واقعاً امور محله را اداره می‌کنند. مثال‌هایی که هرندی می‌زند مانند معلم، پزشک، روان‌شناس و کمک به دانش آموزان، نشان می‌دهد که حداقل در تصور خودش، مسئله فقط امنیت نیست، بلکه عرصه‌ی خدمات اجتماعی به دست خود مردم است. این مسئله پس از توفیق مساجد در حفظ میدان در طول جنگ و جلوگیری از خرابکاری و کودتا‌های رنگین با اهمیت می‌شود.

بقیه در صفحه ۲